



۲۰۱۶/۳/۸

ملالی موسی نظام

زن بودن در افغانستان، دردی استخوان سوز در روز جهانی زن نقض حقوق زنان در افغانستان را محکوم میکنیم



زنم که ناله من خفته در گلوی منست زنم که شام سیه صبح آرزوی منست
نادیه انجمن

به یقین هموطنان ما در ۱۳ سال اخیر در پهلوی جریانات افغانستان عزیز، ناظر و شاهد بوجود آمدن قوانین و مقرره هایی هم برای بهبود حالات زار طبقه اناث مملکت که بدون شک با تحمیل جنگ ها در سرزمین شان آماج مظالم، آوارگی، بی خانمانی، فقر، پامال گشترده حقوق انسانی و هزاران درد بیدرمان، دیگر بوده اند، میباشدند. به صراحت باید اقرار نمود که بعد از شکست طالبان و رهایی طبقه اناث مملکت از قیود اجتماعی آن گروه سیاه اندیش، نه تنها سعی و اهتمام دنیای بین المللی در بهبود وضع زنان در ساحات مختلفه حیات این قشر ستمدیده اجتماع افغانی پدیدار و حمایه گردید، بلکه با وضع قانون اساسی و قوانین فرعی مربوطه، حقوق زن افغان و امکانات استفاده از متون آن، امیدواری هایی زیادی را بوجود آورد. البته باید اقرار نمود که در ساحه معارف نسوان و قبل از مشکلات مسدود نمودن مکاتب، حریق نمودن و ایجاد ترس و ارعاب از جانب عقبگرایان و آشوب طلبان تربیت دیده پاکستان، انکشافات مفیدی رونما گردید، مخصوصاً که فامیل های افغان خود با علاقمندی در امکانات تعلیم دختران شان، قدم های مثبتی را برداشتند.

گرچه مشاهده می نمایم که از نگاه ظاهر امر افغانستان یک مملکتی است دارای قانون و با موجودیت تفکیک قواء، برقراری پارلمان و امکانات دستگاه عدلی و قضایی، ولی قانون شکنی و نبود عدالت انتقالی، در پهلوی ترویج فساد وسیع اداری، پامال حقوق زنان، اغماض در جلوگیری و بازخواست خشونت و سیاست منحوس مصلحت گرایی، یکی از ممالک درجه اول در عدم وجود قانونیت و عدالت انتقالی، معرفی و شناخته شده است.

این قلم از همان آغاز ورود قوای بین المللی در افغانستان جنگ زده ویران، ناظر تحولات و جریانات تلخ حیات تاریک زنان کشور خویش بوده و سیر قهقرایی حقوق زن افغان و مظالم غیر قابل باور و روز افزون حیات بر مشقت آنان را نظاره نموده است. در جدید ترین راپوری که از کمیسیون حقوق بشر مبنی بر میزان روز افزون مظالم بر زنان منتشر شده، سال اخیر پنج فیصد ازدیاد در خشونت ها، آنها در احصایه شهر ها که راپوری به آن کمیسیون رسیده، قید گردیده است.

در حالیکه جهان ما به استقبال روز زن و پشتیبانی از حقوق آنان می‌رود، در افغانستان هم با «تقلید» از جوامع حق شناس مترقی، دولت و مؤسسات ذیعلاقه سر و صدایی براه می‌اندازند و گویا برای عقب نماندن از قافله، با حلوا گفتن، دهن شریین مینمایند. بلی برای نیمی از پیکر اجتماع افغانی که در بی صدایی، حقوق انسانی، قانونی و اسلامی شان پامال جفای بی عدالتی و مرد سالاری گردیده است، واقعاً چه را باید تهنیت گفت؟! بیابید که مختصراً شمه ای از روزگار تلخ و غم انگیز نیمی از نفوس کشور ما را مشاهده نماییم که درین عرصه چه بر این سنگ زیرین آسیاب، زن همیشه بی دفاع و محروم افغان نازل گردیده است:

در گرماگرم فعالیت های انتخاباتی با وعده های سر خرمن کاندیدان و معاونین شان که اکثراً به نحوی تیم ناقضین حقوق بشر و جنایتکار جنگی را بازهم احتوا مینمایند، زنان افغان طی پیش نهادات و تظاهرات آرام موضوع حفظ حقوق و مراعات انسانی احوال زن افغان را با اجرای قانونیت و عدالت در زمینه، از آنها خواسته اند. همچنان که مؤسسات ارزشمند خیریه جهانی چون «کمیته عفو بین المللی- شعبه ای از ملل متحد» هم چنین تقاضایی در مورد حمایت جدی از حقوق زنان افغان، از کاندیدان دارد:

سازمان عفو بین المللی که مقر آن در لندن است، از نامزد های ریاست جمهوری دور اول افغانستان خواسته بود تا توجه به حقوق بشر را در صدر پروگرام های خود قرار دهند. در گزارش آمده که توجه مبرم به میزان خشونت



علیه زنان و دختران باید جزء مهم پروگرام کسانی باشد که برای پنج سال آینده زمام امور کشور را بر عهده میداشته باشند. همچنان درین راپور تذکار یافته که که حمایت از حقوق زنان و دختران، حفاظت و مراقبت از مهاجرین داخلی، پایان مسئولیت کسانی که در گذشته مرتکب جنایات جنگی و نقض حقوق بشر شده اند، از

دیگر خواسته های این مؤسسه خیریه جهانی، از دولت افغانستان است. در حقیقت اولین خشت کجی که معمار وطن، جناب حامد کرزی در تهداب افغانستان جدید گذاشت، عفو جنایتکاران جنگی به ارتباط ادوار خلق و پرچم در عصر اشغال، تنظیم های جهادی وابسته به جنگ های خونین کابل و طالبان متعصب و سیاه کار ارسالی پاکستان بود.

این تصمیم غیر مجاز که پامال حق مسلم ملت افغان و خون ملیون ها شهید بی کفن و بی مزار بود، نه تنها حقوق ملیون ها زن بیوه و فرزند از دست داده در جنگ های افغانستان پامال گردید، بلکه دقیقاً عدالت انتقالی و هرنوع بازخواست و مجازات را تا الان در قسمت خشونت گران و مجرمین از هر نوع و هر قماش، مخصوصاً در معضله حقوق زنان خنثی نمود. بنابراین به چشم سر مشاهده نمودیم که که بیشترین صدمه عدم وجود عدالت در دستگاه دولت حامد کرزی را طبقه اناث مظلوم افغان با قوس صعودی تا بحال متحمل می گردند، یعنی از طفل

دوساله ای که مورد تجاوز قرار میگیرد و دختر چهارساله ای که به پیر مردی عقد میگردد تا زنی که شوهر، وی را بفروش میرساند و یا گوش و بینی وی را قطع می نماید و دختر هشت ساله ای که از آغوش مادر ربوده شده و بعد از تجاوزات با سگ شکاری ای مبادله میگردد، همه و همه نتیجه همان عفو جنایتکاران نیست که انصافاً مستحق سپردن به محاکم و مجازات عادلانه بودند، تا دیگران درس عبرتی گرفته و به دنبال این همه جفا و جنایت گسترده در کشور خود نروند. این اقدام غیر عادلانه رئیس جمهور افغانستان، درگاه هر نوع ظلم، تعدی، خشونت و بی عدالتی را در حق زن مظلوم و بی دفاع افغانستان کاملاً باز نمود و نتایج تلخ آن هیچ دست آورد



مثبتی برای مردم افغانستان نداشت.

از عصر اسمعیل خان والی هرات، خودسوزی زنان به مقابل مظالم شوهر و فامیل وی در هرات رایج گردید، تا امروز که هزاران زن سیاه روز به این مجازات غیر بشری پناهنده گردیده اند، نشنیده ایم که شوهری را محکمه و عدالت بازخواست نموده باشد. همینطور هست صدها نوع مجازاتی که بر دخترکان و زنان صدا درگلو خفته افغان به پهنای سرزمین ما وارد میگردد.

میرویم به شهکار دیگری از جناب رئیس جمهور افغانستان در مورد «[قانون احوال شخصیه اهل تشیع](#)»، این قلم در اپریل سال ۲۰۱۳ که چنین قانون غیر بشری مخوف و ضد عدالت انتقالی بر علیه زن بیدفاع افغان «[توشیح](#)» گردید چنین نوشت:

(قانون خفت بار «[احوال شخصیه اهل تشیع](#)»، بعد از عفو جنایتکاران جنگی، رئیس جمهور افغانستان قانون نقض حقوق زنان را توشیح مینماید. بتا ریخ اول اپریل سال جاری «۲۰۱۲» مطبوعات جهانی خبر اسف انگیز و غیر قابل باوری را منتشر نمود که بیان گر این حقیقت تلخ میباشد که قانون «[احوال شخصیه اهل تشیع](#)» را که ولسی جرگه افغانستان تسوید نموده، به توشیح حامد کرزی رئیس جمهور افغانستان رسیده است. در اثر مری الاجرا شدن این قانون نه تنها همه اساسات برابری حقوق زن و مرد افغانرا که قانون اساسی جدید افغانستان پشتیبانی و تصریح مینماید نقض میگردد، بلکه تعهد افغانستان را در اجراء و مراعات پرنسیپ های «[اعلامیه حقوق بشر](#)»، منحیث عضو رسمی و سابقه دار ملل متحد و پذیرفتن این اساسات ارزشمند بشری و تعهدات بین المللی ۶۸ ساله افغانستان را تمام و کمال زیر سوال میبرد.

حال میبینیم که حکومت درین مورد در چه موقفی قرار دارد؟ در حالت «[قانون احوال شخصیه اهل تشیع](#)» واضح است که به عنوان یک بام و دوهوا، گویا در یک مملکت واحد قانون بر یک قشری از زنان که اهل تشیع باشند، بصورت جابرانه و خلاف متون قانون اساسی، با اقدام به استبداد و پامال حقوق انسانی شان، میتواند تعمیم گردد. ابتداء همین وکلاء پارلمان، خصوصاً جمیعت غیر مسئولان زنان در ولسی جرگه به بهانه عدم دقت «!» به اهمیت چنین یک موضوع حیاتی هم جنسان «[عذر بدتر از گناه](#)» موافقت نمودند که آن ورق پاره های سیاه برای توشیح رئیس دولت آماده گردد.

به اساس این قانون، زن مظلوم و بی دفاع افغان باید برای خروج از منزل اجازه شوهر را داشته باشد و اگر اختلاف و یا عدم اطاعت زن صورت گیرد، شوهر به خشونت اقدام نموده و حتی به محکمه «!» مراجعه میکند... شوهر حق دارد که هر زمانی بصورت متجاوز جنسی به زن مراجعه نموده و در صورت امتناع وی به زور و زدن متوسل گردد. این قانون در آینده میتواند محدودیت های دیگری را هم منجمله در حق میراث و حقوق ملکیت زن نافذ گرداند!

گرچه با اعتراضات مؤسسات حقوق بشر و تهدید ممالک ذیدخل در افغانستان ظاهراً توشیح ملغی قرار گرفت ولی، آقای کرزی «بهر حال» برای بدست آوردن آرای وابسته به «محمد حسنی» و گروه متعلق به ایران و افراط گرایان زن ستیز، برای موفقیت در انتخابات، بعداً آن سیاه نامه را «مخفیانه توشیح» نمود!

حال میرویم به مهمترین و دردناک ترین قسمت حیات زن افغان که همانا خشونت وسیع و بی لجام در تقابل با تمام ارزش های حقوقی، مخصوصاً پرنسپ های جهانی حقوق بشر است. دردا مثل ضرب المثل معروف که همه راه ها به روم ختم میشود، این بلای اجتماعی زن بیدفاع و مظلوم افغان هم به اغماض، قانون شکنی، حمایه از مردسالاری دولت افغانستان و مصلحت گرایی خلاصه میگردد.

توشیح و اجرای «قانون منع خشونت بر زنان» در افغانستان از جمله نادرانیست که شاید بتواند به تدریج میزان مظلالم غیر قابل قبول در احوال زنان ستم دیده کشور جنگ زده را پائین بیاورد. حمایه و تطبیق قانون، این حق مسلم طبقه اناث افغانستان، وظیفه قوه و کنترل آن وظیفه ریاست محاکم و قوه قضائیه آن می باشد. نظری به چگونگی این قانون که در حدود ۶ سال قبل رسمی گردیده است می اندازیم :

به اساس صلاحیت هایی که قانون اساسی جمهوریت افغانستان به رئیس دولت اعطاء نموده است، یکی هم توشیح مسوده هایی است که در زمان رخصتی پارلمان مری الاجرا میگردد و به این صورت «فرامین تقنینی» ای که با امضای آن مقرر مذکور از قدرت و حیثیت بی چون و چرای قانونی بر خوردار می گردد.

امروز که در حدود بیشتر از شش سال از صدور «فرمان تقنینی» رئیس جمهور کرزی و قانونیت «قانون منع خشونت بر زنان و مواد مندرجه» آن میگزرند، هنوز هم ولسی جرگه بی کفایت، مرد سالار، زن ستیز و قانون شکن، با موجودیت ثلث وکلای زن، با خفت لوای مخالفت با قانونی که نیمی از ملت رنجور افغان را در آینده از مظلالم مردسالاری و حق تلفی نجات خواهد داد، بالا می نمایند. این قلم در زمینه در ۰۲ ماه جون سال ۲۰۱۳ نوشت:

«در پارلمان افغانستان فقط فتنه و شر حکمرواست!»

تعویق قانون «منع خشونت بر زنان»، بی آبرویی ولسی جرگه است:

هموطنان ما ناظر و شاهد رویداد درد ناک تعویق تصویب قانون «منع خشونت بر زنان» از جانب ولسی



جرگه ای هستند که حکمروایان آن علم دشمنی و عناد را بر علیه مادر، خواهر، همسر و دختر خویش بر افراشته اند و با جنایاتی که بر زنان وطن و اطفال خرد سال صورت میگیرد، هیچ مخالفتی ندارند. با تماشای حالات و اعتراضات وکلاء در ولسی جرگه در مورد عدم تصویب قانونی که بر حقوق انسانی و مدنی طبقه اناث

کشور استوار است، اشک تأسف و تألم باید ریخت. در همان روزی که گروهی از خدا، شریعت و قانون منکر در خانه ملت «که اکثراً از وکلا خالی است»، به تخریب اصول اسلامی و انسانی مصروف بودند، در پهلوی صد ها جنایتی که بر زنان و دختران تعمیم می‌گردد، در هرات دخترک دو ساله ای که با سببیت مورد تجاوز جنسی از جانب مرد ددمنشی قرار گرفته بود، در اثر چنین یک جنایت خفت آلود غیر قابل باوری جان داد و گل حیاتش قبل از شگوفایی در حکمروایی دولتی فاقد عدالت و قانونیت، پر پر گردید.

تعویق موافقت با «قانون منع خشونت بر زنان» از جانب ولسی جرگه وظیفه نا شناس و بی کفایت خود باعث تشجع جنایتکاران و ترویج خشونت های بیشتر می‌گردد. در جریان آنروز که روی صفحات تاریخ مردم افغانستان با پامال حقوق نیم بیشتری از ملت افغان توسط مخالفت های نا جائز نمایندگان ملت، لکه های سیاهی از نقض حقوق حق زن افغان نقش بسته بود، وکلای زنی را هم مشاهده می نمودید که علم مخالفت بر علیه تصویب «قانون منع خشونت بر زنان» و موافقت با مظالم بر هم جنسان خویش را بر افراشته بودند. یا الله!

در عکس، در ولسی جرگه بسیار خالی، وکیل صاحبه ای بوت خود را آماده پرتاب به طرف مقابل نموده است، وکیل دیگری با خرسندی و تقنن به وی می خندد.

حال ببینیم که با وقت تلفی جمعی از وکلای نام نهاد و زن ستیز ولسی جرگه، قانون اساسی افغانستان، در مشروعیت «قانون منع خشونت بر زنان» چگونه حکم مینماید، حق مسلم توشیح رئیس دولت به لحاظ صدور «فرمان تقنینی» بدین طریق مری الاجراء می‌گردد:

فصل سوم، ماده ۱۲: رئیس جمهور دارای صلاحیت و وظایف ذیل میباشد:

قسمت ۱- توشیح قوانین و فرامین تقنینی.

رئیس جمهور بعد از تصویب قوانین از جانب پارلمان و قبل از اجراء، آنرا توشیح مینماید. ولی در مورد «فرمان تقنینی»، همانطور که از اسم آن درک میشود، فرمانی را رئیس دولت میتواند صادر نماید که حکم قانون را دارد. و باید تا سی روز از آغاز جلسات ولسی جرگه متن آن به مجلس تقدیم گردد. البته درین زمینه ماده ۲۷ قانون اساسی کاملاً صراحت دارد: «ولسی جرگه نمیتواند طرح پیشنهاد شده را بیش از یکماه به تأخیر اندازد». دیده میشود که با در نظر داشت اهمیت عنصر زمان در تصویب ویا رد مسوده قوانین از جانب ولسی جرگه، متون قانون اساسی افغانستان صراحت علنی دارد. «قانون منع خشونت علیه زنان» که به اساس متون مواد ۴۲ قانون اساسی افغانستان شکل گرفته و به صفت «فرمان تقنینی» از جانب رئیس جمهور در سرطان ۲۰۱۰ صادر گردیده و از چهار سال «!» به این طرف مری الاجراء میباشد، واضح است که دوره رد و قبول را در همان چهار سال قبل، بعد از گشایش ولسی جرگه بر روی «یکماه» دارا بود. پس آیا مسخره نیست که بعد ازین مدت طولانی و تعمیم قانون، دفعتاً وکلای دانشمند، نهایت قانون دان، وظیفه شناس «!» که همه بر اساسات دین مقدس اسلام هم دقیقاً خبره «!» بوده و نهایت لائق و کاردان هم تشریف دارند، دفعتاً به فکر «فرمان تقنینی» چهار سال قبل افتاده و در اثر ضعف رئیس دولت و صرف به نفع مرد سالاری و افراطیت داخلی و خارجی به آن مهر تعویق بزنند؟!!

حمایت و دفاع از حقوق خانواده افغان: در دولت موجوده افغانستان یکی از والاترین حقوق انسانی را که قانون تصدیق مینماید و امیدواری های زیادی را در در قبال داشت، حمایه از مهمترین رکن جامعه، یعنی «دفاع و حمایت از فامیل افغان»، میباشد که متأسفانه کمال و تمام عملاً از بین رفته و به فراموش گرائیده است. اعضای ولسی جرگه بی کفایت میتوانند در عدم تطبیق این خلی بزرگ جامعه افغانستان، از اولیای امور مسئول بازخواست نمایند که البته درین حالت هم اغماض را پیشه کرده اند. این جانب همچنان در ماه جون سال ۲۰۱۳ در چنین زمینه حیاتی مهمی نوشت:

(«نقض حقوق خانواده افغان» - بدون شک در شرائط گوناگون پامال و عدم حمایت آشکارای حقوق زنان و دختران که جزئی از اعضای خانواده ملت افغانستان را تشکیل میدهند، نقض متون قانون اساسی و اغماض و سهل انگاری های وسیعی از جانب همه ارگان های دولت موجوده است. بعضی ازین حالات میتواند مظالم رقتبار و از تحمل بیرون شوهر و فامیل وی، بر زنان باشد که فرار های اجباری، خودکشی ها و خود سوزی های گوناگونی را بار می آورد.

نکاح صغیره هم بذات خود نمیتواند از ظلم و محنت فراوان در حق طفل مظلوم عاری باشد، حتی دامنۀ همین نکاح صغیره است که به خودسوزی، فرار و امثال آن منجر میگردد. در عکس ازدواج پیرمردی را با یک طفل افغان مشاهده می نمائید. اسم این عمل شنیع؛ نکاح صغیره است. نکاح صغیره جنایتیست بسیار ددمنشانه، سالانه هزاران دختر خرد سال به عنف و جبر به خانه مرد کلان سال و بیگانه ای فرستاده میشوند و از همان روز اول با مظلومی که روی بشریت از آن سیاه میگردد، روح معصوم و بدن کوچکش با دردی جانکاه و وحشی، جبراً مواجه میگردد. بدون تردید اگر هرسه قوه دولت «وظیفه» و مطابق قانون به دفاع از خانواده و حقوق زنان اقدام بورزند، شرائط بهتری برای بهبود احوال زار طبقه انات افغانستان رو نما میگردد. قانون در زمینه چه میگوید:

فصل دوم، حقوق اساسی و وجائب اتباع، ماده ۴۲:

«خانواده رکن اساسی جامعه را تشکیل میدهد و مورد حمایت دولت قرار دارد. دولت به منظور تأمین سلامت جسمی و روحی خانواده، بالاخص طفل و مادر، تربیت اطفال و ازبین بردن رسوم مغایر با احکام دین مقدس اسلام، تدابیر لازم اتخاذ میکند».

اینکه در راپور سالانه مؤسسات خیریه بین المللی در مورد تحمیل و تعمیل خشونت و مظالم منافی قوانین دولتی، مقررات حقوق بشر و نقض و پامال حقوق زنان افغان، یک قوس صعودی سالانه را نشان داده می شود، صرف احصائیۀ نسبی مناطقی است که این مؤسسات تا حدی به جریانات آن دسترسی داشته اند. حقیقت این است که در نواحی دور دست و حتی در اکثر چهار دیواری منازل، چه جنایاتی نیست که مخفیانه یا علنی بر زن و دختر مظلوم وطن ما تحمیل نمیکرد؟ خشونت بر زنان امسال هم در حدود بیشتر از ۳۷ فیصد و بالا رفتن قوس صعودی آن مثل همیشه بوده است.



زن مظلوم و محکوم افغان در روز هشتم مارچ که جامعه جهانی روز زن را با عظمت مقام والای مادر، همسر، خواهر و دختر تقدیر نموده و تهنیت میگوید، در تاریخ خانه سرنوشتی که جنگ سالاران، مرد سالاران و اغماض اولیای امور، با پامال جسورانه حقوق او، رقم زده است، نومیدانه میگردید و میگردید. آیا هنوز هم باید به زنان مظلوم و پریشان حال وطن که سرنوشت تاریک شان چون بیدی از هر تصمیم گیری ناروای غیر انسانی دولت متبوعه امروزی، به لرزه در می آید، روز خجسته زن را تبریک و تهنیت گفت؟!!

پایان

